

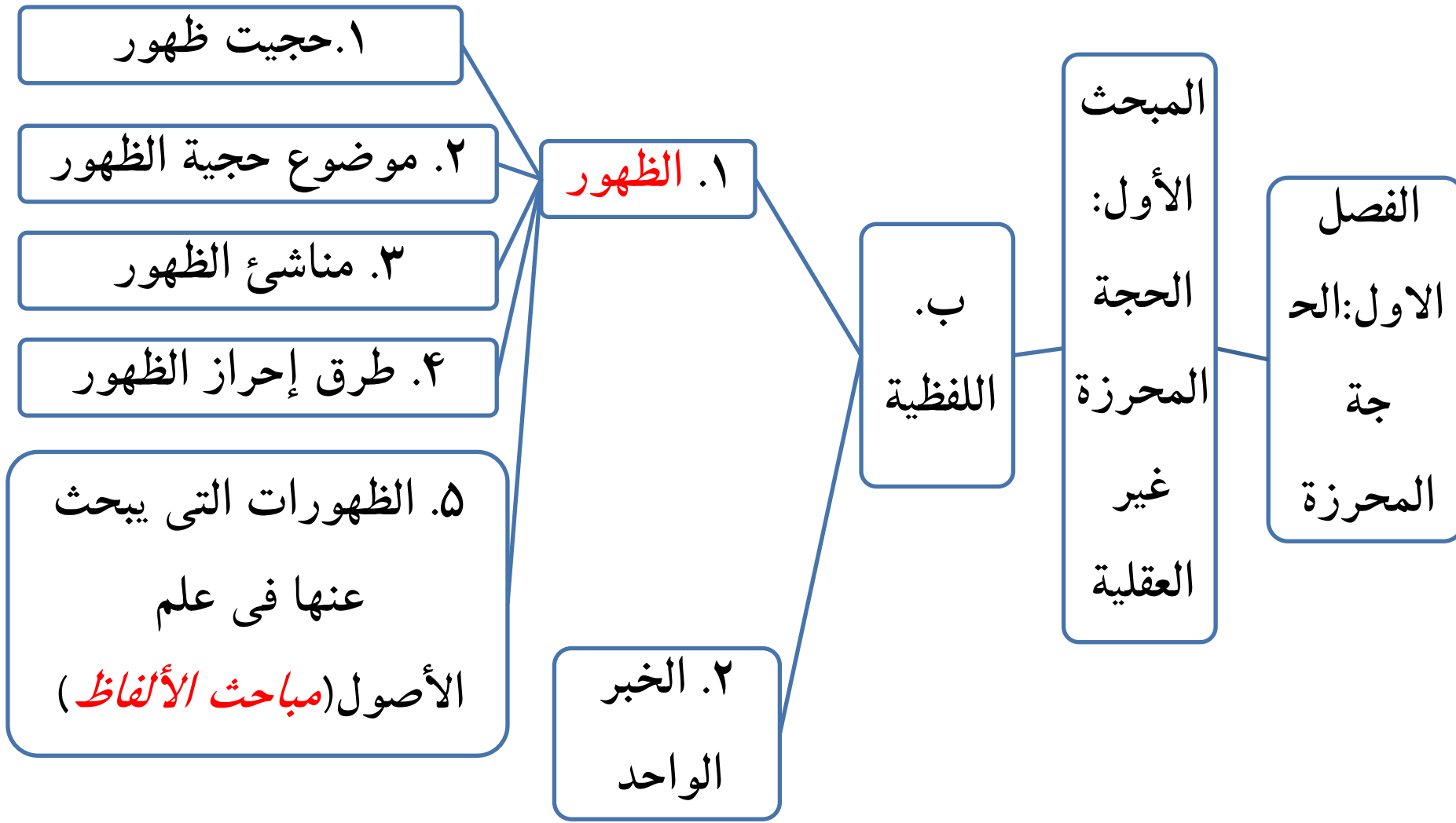
علم أصول الفقه

٤١

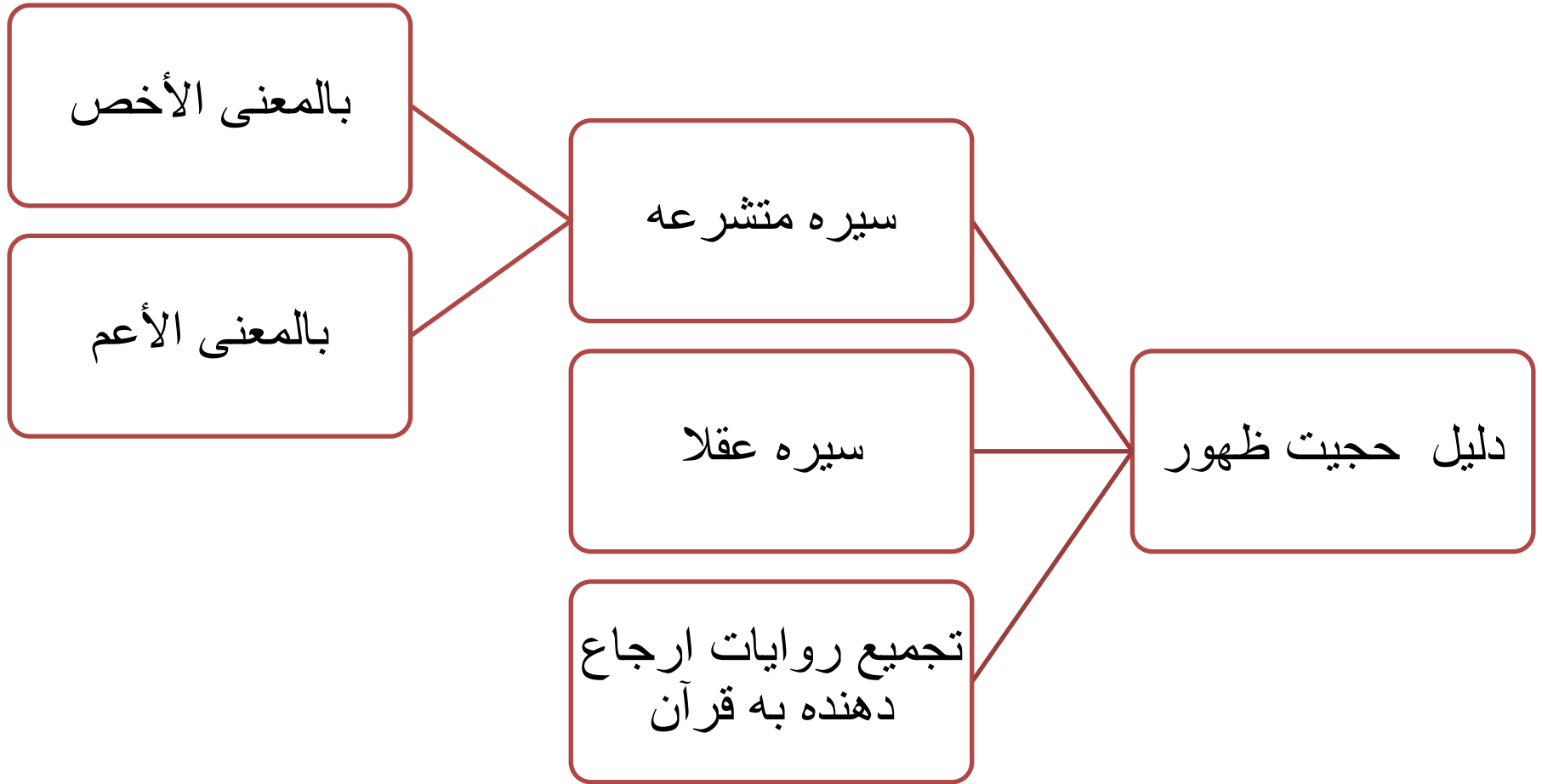
٢٨-١٠-٩٣ ظهور

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

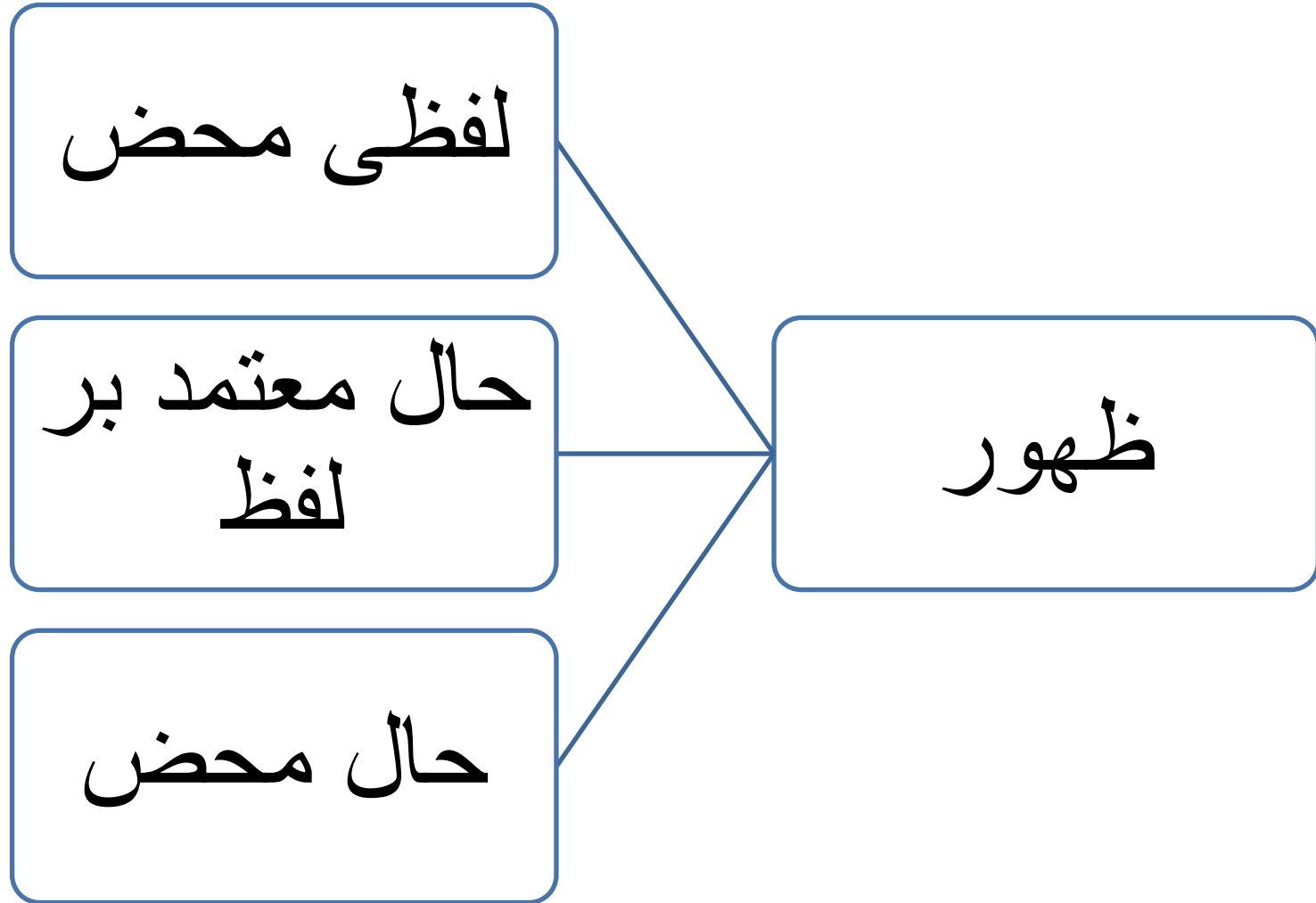
• وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا (٣٠)



حجيت ظهور



دامنه حجیت ظهور



تفاوت رفتار شارع با عقلا

اشکال

انکار ادعا

صغروی

جواب

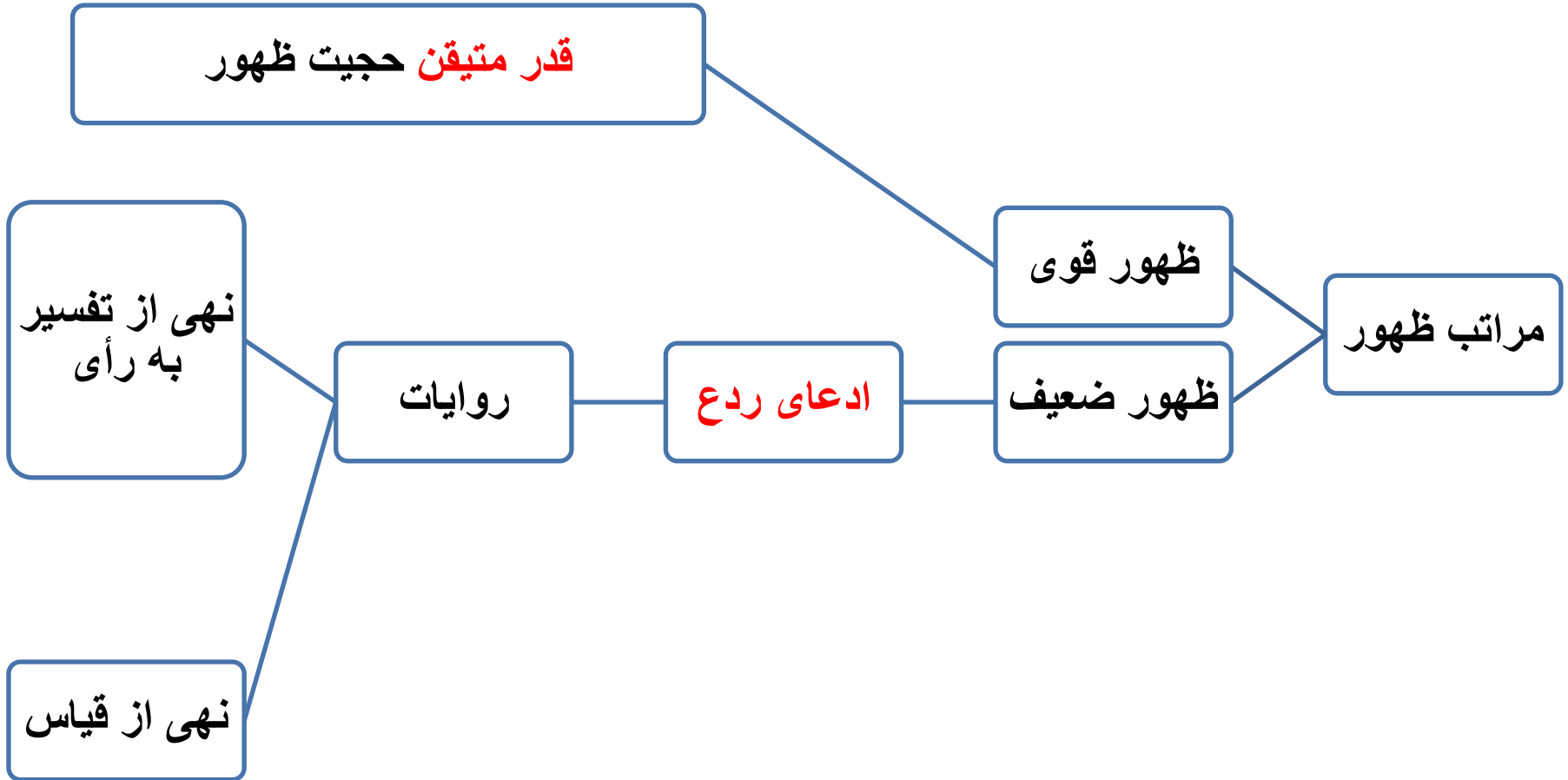
اعتماد بر
قراین
منفصل

تفاوت رفتار
شارع با
عقلا

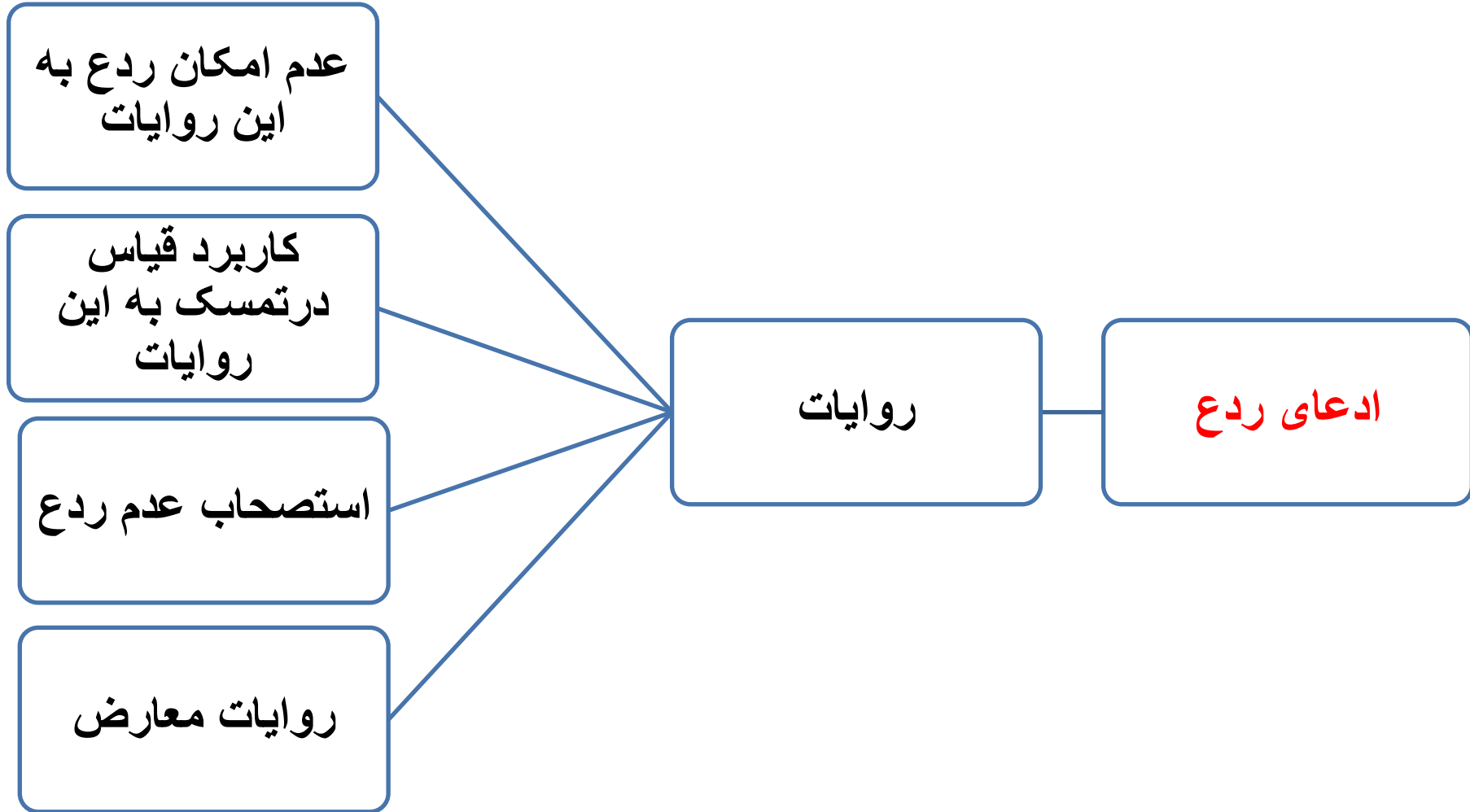
حجیت ظهور
کلام شارع بآ
وجود این
عادت

کبروی

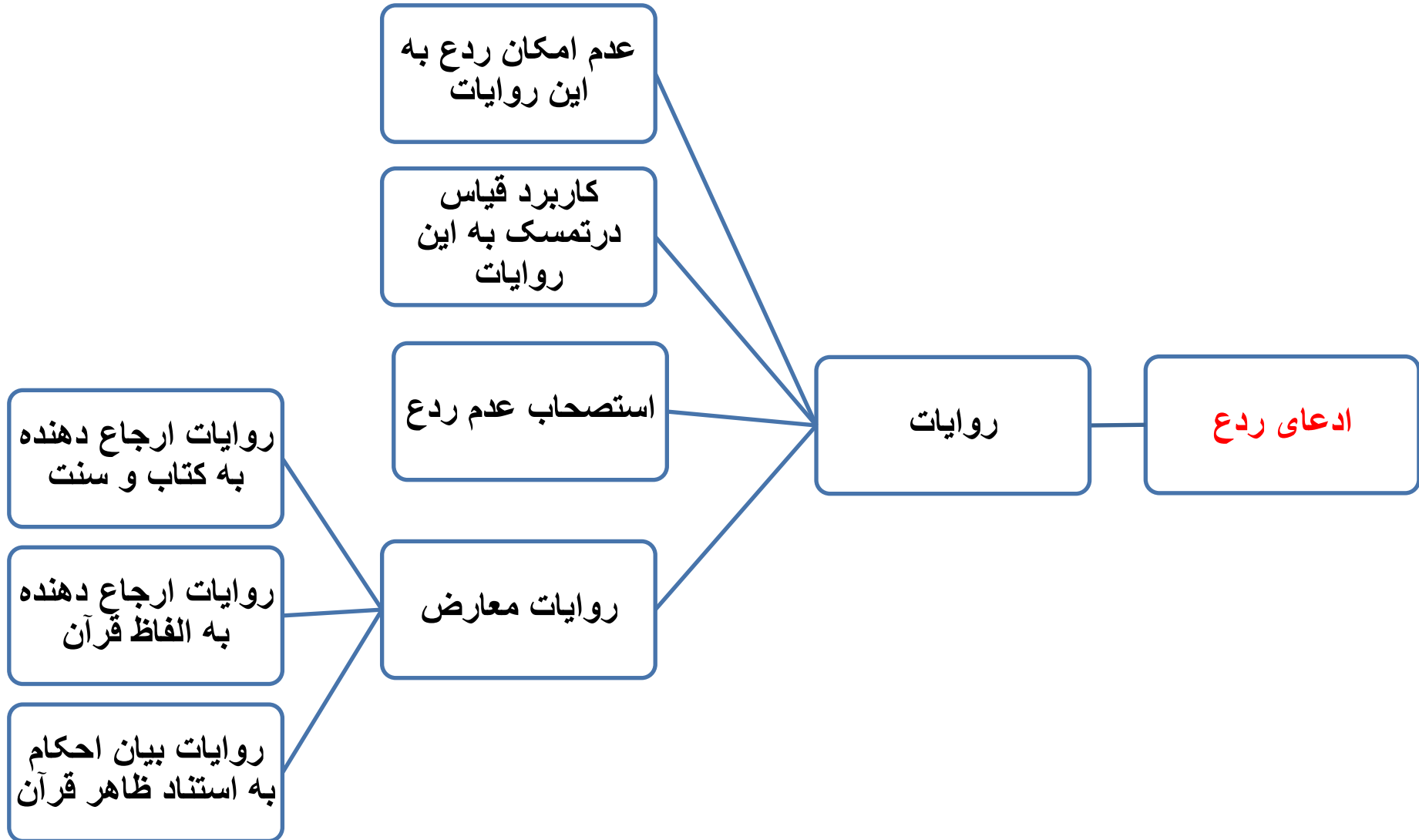
مراتب ظهور



مراتب ظهور

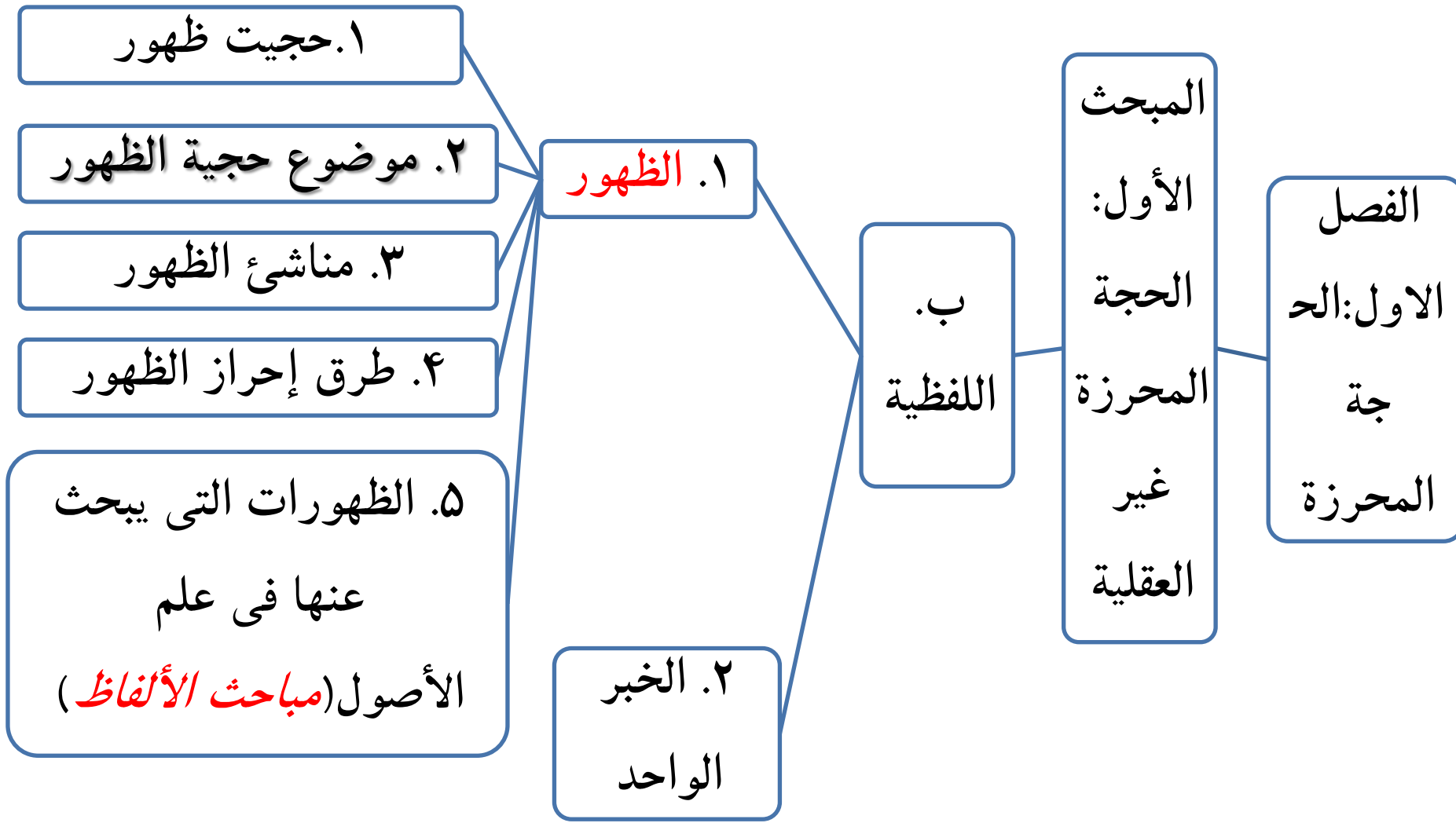


مراتب ظهور



دراسات الامتلا:

مهدي الهادي الطهراني



فصل پنجم: موضوع حجیت ظهور

- فصل پنجم: موضوع حجیت ظهور
- دلیل حجیت ظهور چه چیز را برای ما حجت می‌کند؟
- برای توضیح این سؤال، شهید صدر رضوان الله علیه در قالب مقدمه‌ای اشاره کرده‌اند که در اصول دلالت به دو قسم تصویری و تصدیقی تقسیم می‌شود:

فصل پنجم: موضوع حجیت ظهور

- اولین جلد از تقریرات درس شهید صدر رضوان الله علیه که منتشر شد، جلد هفتم بحوث فی علم الأصول بود؛ چون آیت الله هاشمی شاهرودی حفظه الله از اواخر بحث استصحاب در دوره اول خارج اصول شهید صدر رضوان الله علیه در درس ایشان شرکت کردند. بنابراین ایشان بحث تعادل و ترجیح را که جلد هفتم است، اول از همه تقریر کردند؛ البته چون اولین کار تقریر ایشان محسوب می‌شد و از نظر سنی هم خیلی جوان بودند، شهید صدر رضوان الله علیه بر روند تقریر جلد هفتم نظارت جدی داشتند؛ به گونه‌ای که شاید بتوان گفت جلد هفتم به یک معنا به قلم خود شهید صدر رضوان الله علیه است؛ چنان‌که از نظر ادبیات و قلم با شش جلد دیگر متفاوت است. این جلد در زمان حیات شهید صدر رضوان الله علیه چاپ شد. آیت الله هاشمی شاهرودی حفظه الله می‌فرمودند وقتی مطالب جلد اول را می‌نوشتیم، خدمت ایشان می‌بردم و وی گاهی تغییراتی در آن می‌داد و گاهی چیزی به آن اضافه می‌کرد. بنابراین خیلی از چیزهایی را که در این جلد آمده است، اصلاً شهید صدر رضوان الله علیه در درس نگفته‌اند نه در دوره اول خارج اصول و نه در دوره دوم، بلکه این‌ها همان اضافاتی است که در رفت و برگشت تقریر بین آیت الله هاشمی حفظه الله و شهید صدر رضوان الله علیه اضافه شده است. از جمله آن اضافات که در جاهای دیگر این تقریرات منعکس نشده است، همین مقدمه بحث ما است.
- المظفر، محمدرضا، أصول الفقه، ج ۱، ص ۱۹؛ کفایة الأصول، ص ۱۷.

تصوري

تصديقي

دلالات

فصل پنجم: موضوع حجیت ظهور

- دلالت تصویری
- مقصود از دلالت تصویری نزد اصولی‌ها این است فرد آشنا با یک زبان، به محض شنیدن یک لفظ که در آن زبان برای معنایی وضع شده است، معنایی به ذهنش می‌آید.

فصل پنجم: موضوع حجیت ظهور

- اینکه منشأ پیدایش این لفظ چه چیزی است، در این انتقال از لفظ به معنا نقشی ندارد؛ مثلاً همین که لفظ آب به گوش وی می‌خورد، معنای آب به ذهنش می‌آید.
- اینکه منشأ پیدایش لفظ آب چه باشد، مهم نیست؛ چنان‌که اگر حتی یک سنگی به سنگ دیگر بخورد و لفظ آب از آن به گوش او برسد، معنای آب به ذهنش می‌آید.

فصل پنجم: موضوع حجیت ظهور

- دلالت تصدیقی
- در بحث دلالت تصدیقی گفته‌اند اگر یک سری شرایط وجود داشته باشد، نه تنها از لفظ به معنا منتقل می‌شویم، بلکه اذعانی هم پیدا می‌کنیم.
- پس دلالت‌هایی که با تصدیق و اذعان همراه است، دلالت تصدیقی می‌گویند در مقابل دلالت تصویری که همراه با تصدیق و اذعان نیست.

فصل پنجم: موضوع حجیت ظهور

• این بحث مقدمه یک بحث خیلی خاص در اصول است. نه جزء بحث‌های مقدماتی کل علم اصول محسوب می‌شود که بخواهیم در فلسفه علم اصول از آن بحث کنیم و نه یک بحث اصولی است، که در علم اصول به آن بپردازیم.

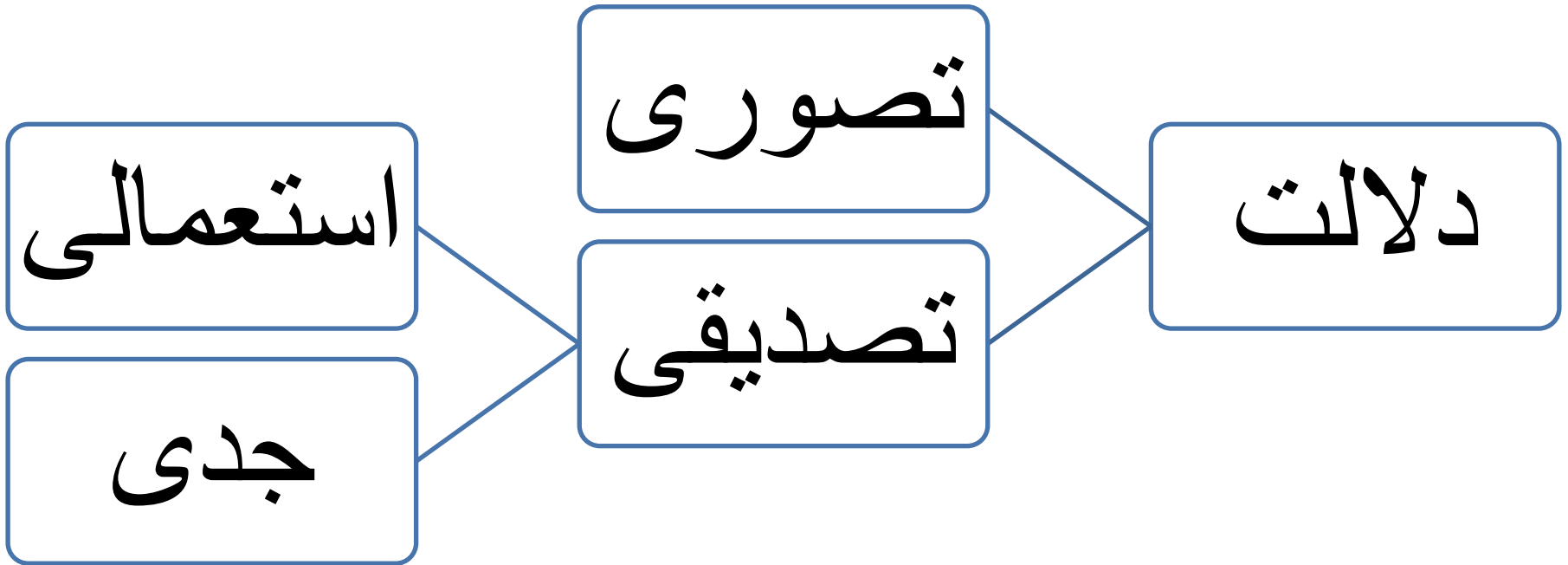
• مباحث الفاظ در آثار منطقی کهن وجود دارد؛ مثلاً ارسطو به بحث الفاظ پرداخته است. بعد از وی مفصل‌تر به این بحث پرداخته شده است. فارابی رساله‌ای با عنوان «الالفاظ المستعملة فی المنطق» دارد که به صورت یک کتاب مستقل منتشر شده است. با اینکه منطقی‌ها به مباحث الفاظ پرداخته‌اند و در طول تاریخ منطق، این مباحث در بعضی ابعاد بسیار هم توسعه پیدا کرد، تقسیم دلالت به دو قسم تصوری و تصدیقی در آن وجود داشت. این تقسیم از ابتکارات اصولی‌ها محسوب می‌شود. الآن بسیاری از این بحث‌هایی که در مباحث الفاظ منطق یا اصول مطرح است، در دانش‌های جدید مثل فلسفه منطق، فلسفه زبان و فلسفه‌های زبانی به صورت جدی مطرح هستند. مقصود از زبان در فلسفه زبان سخن‌گویی بشر است و در این دانش بحث می‌شود که اصلاً زبان بر کدام مبانی استوار است. مباحث آن هم خیلی صیغه فلسفی دارد. فلسفه‌های تحلیل زبانی به تحلیل زبان مربوط می‌شوند و به خصوص در مکتب فلسفی انگلستان خیلی توسعه پیدا کردند. بنابراین بعضی از این بحث‌ها را که ممکن است از منظر علم اصول بحث مهمی ندانیم و صرفاً آن را یک بحث مقدماتی تلقی کنیم، در یک دانش دیگر به خصوص بعضی از این دانش جدید به صورت جدی مطرح هستند. تحقیقاتی که اصولی‌ها و منطقی‌ها به خصوص اصولی‌های شیعه در این زمینه‌ها دارند، بسیار پیشرفته است و در بعضی موارد آخرین نظریات مطرح در فلسفه‌های زبان یا فلسفه‌های تحلیل زبانی به پای نظریات قدیمی در علم اصول هم نمی‌رسند؛ چه رسد به تحقیقات متأخر.

• در منطق، علم را به تصور و تصدیق تقسیم می‌کنیم. تقسیم علم به تصور و تصدیق از ابداعات فارابی است و در منطق ارسطویی و در کتاب‌ها و آثار ارسطو وجود نداشت. در اینکه تصدیق چیست، بحث مفصلی و نظریات بسیار متنوعی بین منطقی‌ها وجود داشته است. ما این‌ها را بررسی کرده و در نهایت نظریه صدر المتألهین رضوان الله علیه را پذیرفته‌ام. (هادوی تهرانی، مهدی، گنجینه خرد، ج ۱، ص ۲۰۵ - ۲۰۹) خیلی‌ها در تفسیر نظریه صدر رضوان الله علیه اشتباه کردند. وی می‌گوید تصدیق عبارت است از تصویری که همراه خودش یک حکم و اذعان دارد (صدر المتألهین، محمد بن ابراهیم، التصور و التصدیق، ص ۳۱۱ - ۳۱۲) و این تعریف معروف «تصورٌ معه حکم» که بعضی گفته‌اند (الکاتبی القزوينی، نجم الدین علی، الرسالة الشمسية، ص ۲)، در واقع همان بیان ایشان است؛ البته با این توضیح که این حکم بخشی از تصدیق نیست برخلاف تصور بعضی مثل فخر رازی که تصدیق را مرکب از تصور و حکم دانستند. (الرازی، فخر الدین، منطق الملخص، ص ۷) همچنین این حکم خود تصدیق هم نیست؛ چنان‌که بعضی دیگر مثل حاجی سبزواری رضوان الله علیه در منظومه گفته است. (السبزواری، ملا هادی، شرح المنظومة، ج ۱، ص ۷۸ - ۷۹) بنا بر رای صحیح تصدیق نوعی از تصور است که حکم را همراه خودش دارد. در واقع مقارن با این تصور این حکم پیدا می‌شود نه اینکه حکم جزئی از تصدیق باشد. از این نکته استفاده می‌کنیم که دلالت تصدیقی در واقع نوعی تصور است.

تصوري

تصديقي

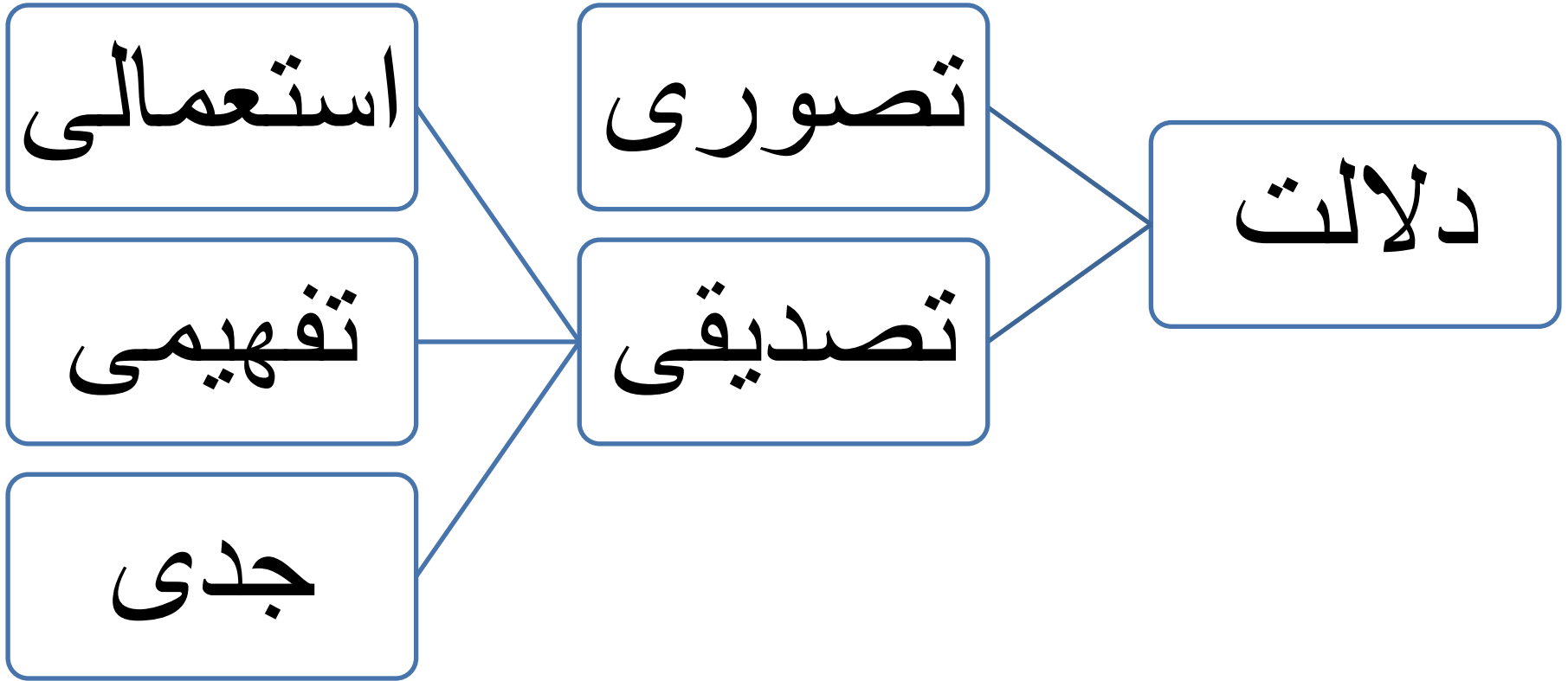
دلالات



فصل پنجم: موضوع حجیت ظهور

- اقسام دلالت تصدیقی
- مشهور اصولی‌ها در بحث دلالت ابتدا بین دلالت تصویری و دلالت تصدیقی تفکیک کردند.
- سپس به این نکته رسیدند که اراده در دلالت‌های تصدیقی، می‌تواند مدخلیت داشته باشد، بلکه دلالت تصدیقی بخلاف دلالت تصویری تابع اراده است.
- از آنجا که دلالت تصدیقی تابع اراده است، به اقسام دلالت تصدیقیه، اراده استعمالی و اراده جدی هم اطلاق می‌شود.

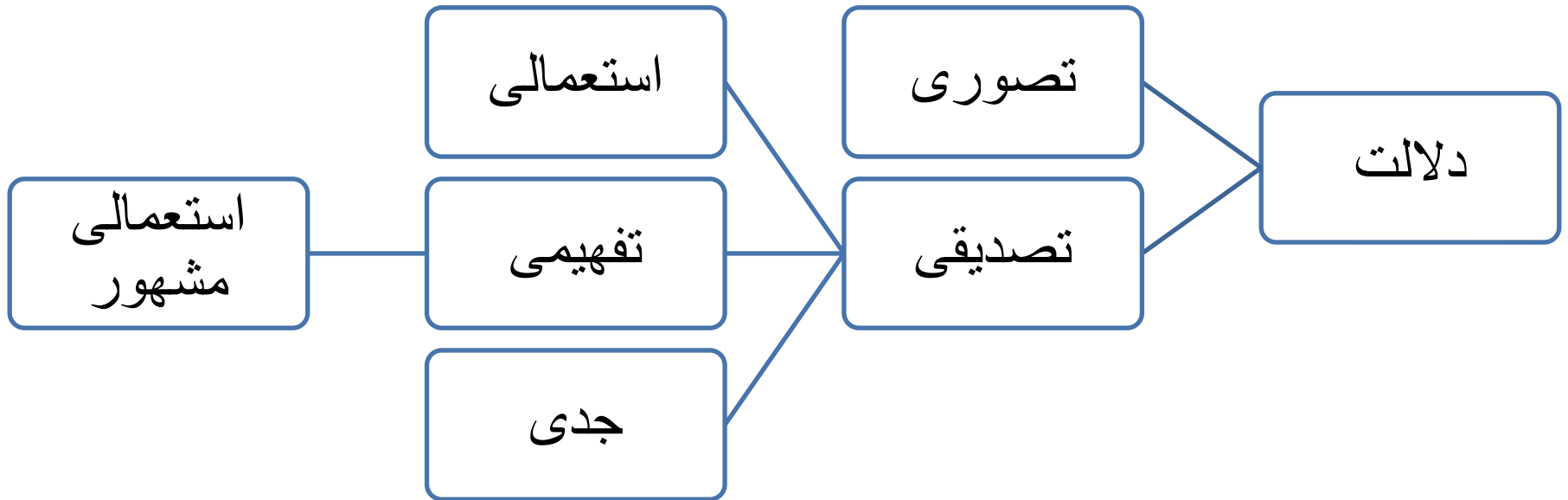
تقسيم شهيد صدر



فصل پنجم: موضوع حجیت ظهور

- شهید صدر رضوان الله عليه در تقسیم دلالت تصدیقی ابتکاری انجام دادند و دلالت تصدیقی را به سه قسم تقسیم کردند: دلالت استعمالی، دلالت تفهیمی و دلالت جدی.

تقسيم شهيد صدر



فصل پنجم: موضوع حجیت ظهور

- وقتی در ابتدا به تقسیم ایشان نگاه کنید و با تقسیم مشهور مقایسه کنید، به نظر می‌رسد که وی دلالت تفهیمی را اضافه کرده است؛ اما با دقت در می‌یابیم آن چیزی را که او دلالت تفهیمی می‌نامد، مشهور به آن دلالت استعمالی می‌گویند و چیزی را که او به آن دلالت جدی می‌گوید، همان چیزی است که مشهور نیز به آن دلالت جدی می‌گویند. پس چیزی را که اضافه کرده است، دلالت استعمالی در اصطلاح خودش است.

فصل پنجم: موضوع حجیت ظهور

- **دلالت استعمالی** در اصطلاح وی عبارت است از دلالت لفظ بر معنا در صورتی که لفظ از آن جهت که دارای معنا است به کار رفته باشد.
- به آن استعمالی می‌گویند چون لفظی به قصد ارادة معنا به کار رفته است. به کار رفتن یعنی استعمال. بنابراین دلالت استعمالی هنگامی پیدا می‌شود که لفظ ذی شعور لفظی را به کار می‌برد.
- بخلاف دلالت تصویری که در آن ممکن است لفظ از هر منشأی تولید شود و معنایی از آن در ذهن به وجود بیاید؛

فصل پنجم: موضوع حجیت ظهور

- برای مثال وقتی یک انسان لفظ «پنجره» را به زبان می آورد، برای ما یک دلالت استعمالی پیدا می شود؛ چه این لفظ قصد تفهیم مطلبی را به دیگری داشته باشد و چه قصد تفهیم نداشته باشد. بنابراین اگر کسی که در اتاق تنها باشد و الفاظی را بیان کند، در اینجا دلالت استعمالی وجود دارد؛ زیرا وی این الفاظ را از آن جهت که برای یک سری معنایی وضع شده اند، بر زبان جاری می کند؛ هر چند فرض آن است که مخاطبی ندارد.

فصل پنجم: موضوع حجیت ظهور

- حال وقتی که لافظ مخاطب دارد و می‌خواهد در ذهن مخاطبش این معنا را ایجاد کند و به تعبیر دیگر این معنا را به مخاطب خودش تفهیم کند، **دلالت تفهیمی** شکل می‌گیرد.

فصل پنجم: موضوع حجیت ظهور

- در همین فرض گاهی وی در سخن گفتن با مخاطبش جادّ است و گاهی هازل.
- آنجا که جادّ است، دلالت تصدیقی دیگری به نام **دلالت جدی** پیدا می‌شود.
- این نوع دلالت در موارد **اخبار** دلالت می‌کند بر اینکه من می‌خواهم از یک واقعیتهای حکایت کنم و در موارد **انشاء** دلالت می‌کند بر اینکه می‌خواهم یک مطلبی را انشاء کنم.

فصل پنجم: موضوع حجیت ظهور

- یکی از بحث‌هایی که به عنوان مقدمه مباحث مربوط به صغرای ظهور مطرح می‌شود، آن است که **آیا در دلالت تصویری، قرینه نقش دارد یا نه.**
- پاسخ این است که قرینه هیچ‌گاه در دلالت تصویری نقشی ایفا نمی‌کند؛ چون دلالت تصویری ناشی از ارتباطی بین لفظ و معنا است که در اثر وضع به وجود می‌آید به گونه‌ای که به محض شنیدن لفظ به معنا منتقل می‌شویم و قرینه نقشی در این انتقال ایفا نمی‌کند.

فصل پنجم: موضوع حجیت ظهور

- در دلالت تصدیقی **قرینه** گاهی **تعیین کننده مراد استعمالی** است و گاهی **تعیین کننده مراد جدی** است.
- در مورد اول، بحث **مجاز** پیش می آید و در مورد دوم، مجازی لازم نمی آید.

فصل پنجم: موضوع حجیت ظهور

- به همین جهت در بحث‌های آینده این سؤال مطرح می‌شود که آیا تخصیص عام یا تقييد مطلق باعث مجاز می‌شود یا خیر. پاسخ خواهیم داد که چون این تخصیص و تقييد به تعیین مراد جدی مربوط می‌شود و دخالتی در مراد استعمالی ندارد، باعث مجاز نمی‌شود.

فصل پنجم: موضوع حجیت ظهور

- منطقی‌ها به دلیل اینکه به انواع دلالت توجه نداشتند، در حل این بحث که آیا دلالت تابع اراده است یا نه، با مشکل مواجه بودند.
- این ابتکار از جمله اضافاتی است که ایشان بر تقریرات آیت الله هاشمی شاهرودی رضوان الله علیه افزوده‌اند؛ یعنی در تدریس ایشان نبوده است. ایشان در تدریس از همان بحث‌های مشهور تبعیت کرده‌اند و فقط دلالت استعمالی و دلالت جدی را مطرح کردند.

فصل پنجم: موضوع حجیت ظهور

- بحوث فی علم الأصول، ج ۱، ص ۱۳۱ - ۱۳۳.
- . یا به تعبیری این معانی را در ذهن مخاطب خطور دهد. به همین سبب به آن دلالت اخطاری اطلاق می‌کنیم.